

## مشخصات نسخه‌شناسی و خصوصیات خط و تذهیب قرآن بایسنغری

بر اساس برگ‌های محفوظ در مجموعه آستان قدس رضوی

مهدی صحراگرد\*

### چکیده

تاکنون ارزیابی و اظهارنظر عموم محققان درباره قرآن بایسنغری، بر مبنای برگ‌های پراکنده مجموعه‌های مختلف جهان بوده است؛ اما از آنجا که اکثر این مجموعه‌ها صرفاً یک برگ و گاه چند تک سطر از این نسخه را دارند هیچ‌گاه اظهارنظری درست و متقن درباره خصوصیات اصلی این نسخه همچون ابعاد اصلی، تذهیب، نوع کاغذ و... عرضه نشده است. این فقدان اطلاعات به اظهارنظرهایی نامطمئن و گاه نادرست درباره این اثر منجر شده است؛ از این رو پیش از عرضه هر تحلیلی درباره این اثر لازم است، تا حد ممکن، مشخصات دقیقش ثبت شود. از آنجا که در مجموعه آستان قدس رضوی، شامل گنجینه قرآن و کتابخانه، بیشترین تعداد از برگ‌های این قرآن نگهداری می‌شود، بررسی مشخصات نسخه بر مبنای این مجموعه دقیق‌تر و مطمئن‌تر از دیگر مجموعه‌هاست. در این بررسی مشخص می‌شود: ابعاد اولیه برگ‌های این قرآن حدود ۲۰۷×۱۴۴ س.م و نوع کاغذش مطبق بوده است؛ خصوصیات متفاوت خط برخی برگ‌ها گواه دست داشتن چند خطاط در کتابت آن است؛ تذهیب اثر به یکی از جزوه‌های قرآن محفوظ در آستان قدس، به شماره ۴۱۶ و ۴۱۷، مربوط به اوایل سده نهم بسیار نزدیک است که احتمال ارتباط میان مذهب آن دو اثر را تأیید می‌کند.



\* گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

## مقدمه

موجود در مجموعه‌های خارجی گمان کرده‌اند قرآن بر یک طرف کاغذ کتابت شده است. در حالی که با توجه به هزینه گزاف تهیه این مقدار کاغذ در آن زمان و نیز حجم و وزن زیاد چنین نسخه‌ای نوشتن بر یک طرف کاغذ منطقی نمی‌نماید. البته شیلا بلر ناهموار بودن پشت کاغذ را علت یک رویه بودن قرآن دانسته که دلیلی نادرست است؛ چراکه صنعت کاغذسازی در سده نهم آن قدر پیشرفت کرده بود که بتوانند کاغذی با رویه‌های هموار جهت کتابت تهیه کنند.<sup>۵</sup> از سوی دیگر در تاریخ قرآن‌نگاری ایران نمونه‌ای که بر یک طرف کاغذ کتابت شده باشد سراغ نداریم و چنین اقدامی برخلاف سنن قرآن‌نگاری است.

جنس کاغذ نسخه از نوع سمرقندی مطبّق است. کاغذ مطبّق نوعی کاغذ دو لایه ضخیم است که از چند لایه کاغذ نازک حاصل می‌شود و به سبب چند لایه بودن کدر است و نور را منتقل نمی‌کند. کاغذ مطبّق غالباً جهت تهیه نسخه‌های بزرگ به کار می‌رود؛ زیرا در جزو سازی لازم است کاغذ اولیه بسیار بزرگ باشد که پس از تا کردن به اندازه مطلوب برسد، کاغذ بزرگ نیز باید محکم باشد که استحکام آن با افزایش ضخامت میسر می‌شود.

برخی از برگ‌های این مصحف بر اثر مرور زمان یا شاید عمداً، دوپوسته شده است. از آنجا که این مسئله صرفاً برای تک‌سطرهای مجموعه‌های خارجی روی داده می‌توان حدس زد دلالت آن در دوپوسته کردن آنها نقش داشته‌اند؛ زیرا با دوپوسته کردن، یک قطعه دورو به دو قطعه تبدیل می‌شود. از این رو چنان‌که پیش‌تر گفتیم اینکه در برخی منابع تک‌سطرهای قرآن بایسنغری را یک‌رو معرفی کرده‌اند به سبب در دست داشتن پوسته‌های جدا شده این کاغذ است.

برگ‌ها در حال حاضر فاقد حاشیه اولیه است از این رو مشخص نیست نسخه چگونه صحافی شده است. اگر مانند دیگر نسخه‌ها برگ‌ها از طریق جزوبندی و دوخت در کنار هم قرار گرفته باشد می‌توان دریافت کاغذ اولیه دست‌کم دو برابر برگ‌های کنونی، به صورت دو صفحه روبه‌روی هم، بوده است؛ زیرا هر جزو از تا کردن یک‌باره یا چندباره یک کاغذ بزرگ به دست می‌آید.<sup>۶</sup>

## ابعاد نسخه

به دلیل از بین رفتن حواشی برگ‌ها در اثر مرور، زمان اندازه‌گیری دقیق اثر ممکن نیست. ابعاد ۱۰۱×۱۷۷ س.م

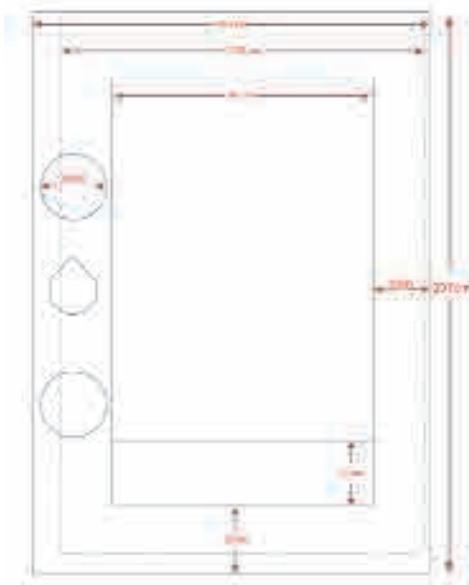
قرآن بایسنغری بزرگ‌ترین قرآن جهان اسلام است که به‌رغم اهمیتش، به سبب پراکنده شدن برگ‌های آن در طی تاریخ، تاکنون تحقیقی دقیق بر آن صورت نگرفته است. حتی مشخصات عمومی نسخه مثل تعداد برگ‌ها، ابعاد، مشخصات خط و تذهیب و... به سبب پراکنده شدن برخی برگ‌ها و وجود برگ‌های جعلی در برخی مجموعه‌ها به صورت متفاوت ضبط شده است. از این رو لازم است پیش از هر مطالعه دیگر، مشخصات دقیق این اثر ثبت و جزئیات آن روشن شود.

پیش از این برخی محققان مشخصات این اثر را ثبت کرده‌اند. از جمله احمد گلچین‌معانی در راهنمای گنجینه قرآن آستان قدس رضوی، ابعاد کنونی برگ‌ها و صرفاً مشخصات هفت برگ را شرح داده است که در زمان تألیف کتاب در گنجینه قرآن آستان قدس رضوی نگهداری می‌شد. دیگر محققان نیز غالباً بر مبنای همین اثر اطلاعات نسخه را عرضه کرده‌اند. اطلاعات ثبت شده در منابع غیرایرانی نیز بر مبنای تک‌سطرهای محفوظ در مجموعه‌های خارجی است؛ مانند آنچه دیوید جیمز درباره تک سطر مجموعه خلیلی ذکر کرده است.<sup>۱</sup>

## تعداد برگ‌ها

مصحف بایسنغری در حال حاضر شماری برگ پراکنده و رفته آسیب‌دیده است که هفت برگ دورو و یک برگ یک‌رو در موزه قرآن و ۵۷ قطعه در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، چهار قطعه در کتابخانه و موزه ملک و چند برگ و رفته آن در مجموعه‌های دیگر نگهداری می‌شود.<sup>۲</sup> متن صفحات گردآمده در مجموعه آستان قدس رضوی حاوی آیات و گاه تنها کلماتی از پنجاه و سه سوره است که از اولین آیه سوره رعد تا آیه نه سوره العادیات در اواخر قرآن را در برمی‌گیرد. مشخصات متن سایر برگ‌ها را که در مجموعه‌های دیگر موجود است دیوید جیمز ثبت کرده است.<sup>۳</sup> با احتساب شمار کلمات و سطور هر صفحه و در نظر گرفتن فضایی که سرسوره‌ها اشغال می‌کنند و نیز صفحات تقدیم یا وقف‌نامه، افتتاح و رقم کاتب می‌توان حدس زد این مصحف حدود ۸۲۳ تا ۸۵۶ برگ داشته<sup>۴</sup> و از حدود ۹۷ برگ آغازین و نه برگ پایانی آن هیچ رفته یا برگی به‌جا نمانده است. اینکه دیوید جیمز و شیلا بلر شمار برگ‌های این مصحف را حدود ۱۶۰۰ دانسته و تصور کرده‌اند که قرآن دو جلدی بوده است از آن روست که این محققان بر اساس برگ‌های دو پوسته شده

مصحف ۱۴۴ س.م بوده است. اگر فواصل لبه‌های بالا و پایین صفحات از جدول را متناسب با این اندازه‌ها به طور متوسط ۲۵ س.م در نظر بگیریم، آن‌گاه طول هر صفحه حدود ۲۰۷ س.م خواهد بود. (تصویر ۲)



تصویر ۲. تعیین تقریبی اندازه قرآن بر مبنای تصویر پیشین

ارتفاع متوسط «الف»ها ۱۲/۵ س.م، فاصله کرسی‌ها ۲۲ س.م و عرض هر سطر از کرسی صدر تا ذیل ۱۷ س.م است. این اندازه‌ها در همه صفحات با اندکی اختلاف برقرار است. ضخامت حروف یا عرض قلم بین هشت و نیم تا نه و نیم میلی‌متر است. خط صفحاتی که با قلم ظریف‌تر کتابت شده غالباً بهتر از صفحاتی است که قلم درشت‌تر دارد.

که در منابع مختلف از جمله راهنمای گنجینه قرآن ثبت شده، اندازه کنونی برگ‌هاست که حاشیه ندارد و فقط اندکی از جدول بزرگتر است. اندازه جدول صفحات سالم با اختلافی اندک حدود ۹۵×۱۵۷ س.م است. فاصله لبه کاغذ تا جدول یکی از برگ‌ها که بخشی از حاشیه بزرگش تقریباً سالم است، با افزودن اندازه بخش ناقص نشان عشر و حاشیه احتمالی حدود سی سانتی‌متر و فاصله لبه حاشیه کوچک (طرف عطف) حدود نوزده سانتی‌متر است. (تصویر ۱) بنابراین عرض تقریبی این



تصویر ۱. برگی از قرآن بایسنغری در بردارنده آیات پایانی سوره مطفین و سرسوره انشقت (الانشقاق) که بخشی از حاشیه‌اش سالم مانده و بر مبنای آن عرض تقریبی قرآن قابل محاسبه است.



تصویر ۳. فواصل کرسی‌ها در سطور قرآن بایسنغری

### تذهیب

از صفحات اولیه نسخه، صفحه وقف‌نامه یا تقدیم و به‌خصوص صفحه افتتاح، برگه به‌جا مانده که بشود ساختار سرلوح و کمند را بازشناخت. نسخه جدولی ساده دارد که با رنگ لاجوردی و طلایی طراحی شده است. تذهیب نیز ساده و مختصر است، به‌خصوص در رنگ‌پردازی. سادگی و اختصار رنگ‌پردازی در تذهیب با سادگی و صلابت قلم محقق متن هماهنگی خاصی دارد. نشان فصل آیات، شمس‌های زرین کوچکی است که با نقش گره ساخته شده است. تا سده هشتم هجری غالباً درون نشان ختم آیات، شماره آیه را با حروف ابعاد می‌نوشتند اما در این اثر چنین نیست. مشابه این نشان را در نسخه‌های بسیار دیگری می‌توان یافت (تصویر ۴) از جمله جزوه شماره ۴۱۶ و ۴۱۷ کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی وقفی شیخ سوداگر که آن نیز در ابعاد



تصویر ۴. نشان ختم آیات در قرآن بایسنغری با نقش ستاره شش‌پر

نسبتاً بزرگ (۶۲/۵ × ۴۵/۵ س.م) تهیه شده و تذهیب به سبک شیراز است. (تصویر ۵) در آن اثر نیز مذهب درون نشان را با نقش ستاره شش‌پر، پُر کرده و گردش را جداولی زرین و شرفه ظریف لاجوردی کشیده است.<sup>۷</sup> هیچ‌یک از نشان‌های خمس و عشر آیات که در حاشیه قرار می‌گیرد به‌جا مانده، زیرا حواشی اکثر صفحات از بین رفته است. البته نشان یکی از برگ‌های حاشیه‌دار را نیز بریده‌اند اما بر مبنای محل برش می‌توان فهمید قطر نشان عشر حدود ۲۵ س.م و اندازه نشان خمس ۱۹ × ۲۲ س.م بوده است. (تصویر ۶)

سرسوره‌ها در قابی مجدول با ابعاد حدود ۲۵ × ۹۵ س.م قرار دارند و تذهیبشان ساده است. زمینه اغلب سرسوره‌ها ابری‌سازی با نقش اسلیمی است و با هاشورهای ظریف شنجرفی پوشیده شده است. هر چند سرسوره‌ها فاقد رنگ‌آمیزی است طراحی استوار و پخته و قلم‌گیری ظریفی دارد. (تصویر ۷) شیوه تذهیب و طراحی نقوش سرسوره‌ها مانند تذهیب دیگر نسخ این عصر است که مشابه آن را در سرسوره قرآن وقفی ابراهیم سلطان (۸۲۷ق) بر حرم امام رضاع) می‌توان دید. (تصویر ۸) در اثر اخیر مذهب زمینه سرسوره را با نقوش اسلیمی قلم‌کاری با رنگ‌آمیزی ناچیزی اجرا کرده است. همچنین ابری‌سازی و به‌خصوص تزیینات هاشورمانند زمینه ابری‌ها در سرسوره‌های قرآن بایسنغری به قرآن وقفی شیخ سوداگر شباهت چشمگیری دارد به حدی که با توجه به وجوه اشتراک دیگر همچون نشان ختم آیات می‌توان ارتباطی میان تذهیب‌کاران این دو اثر متصور شد. با این حال تذهیب این نسخه از نظر رنگ‌پردازی با آثار رنگارنگ و پُرکار این عصر، همچون نسخه‌های کارگاه سلطنتی هرات و شیراز متفاوت است. این یکی از دلایلی است که می‌تواند بر رد انتساب آن به بایسنغر صحت بگذارد زیرا اگر این اثر را بایسنغر کتابت کرده بود باید تذهیبی پُرکار از نوع تذهیب قرآن وقفی ابراهیم سلطان که پیش‌تر یاد کردیم، می‌داشت.

گفتنی است سرسوره‌های البروج، الحاقه، البلد و اللیل بدون تذهیب و تحریر رها شده و تذهیب سرسوره‌های الشرح، التین و العلق با نقوش ختایی طراحی شده است که از این نظر شباهت چشمگیری به تذهیب سرسوره «الناس» در قرآن ابراهیم سلطان دارد. (تصویر ۹) ناهماهنگی طرح تذهیب سرسوره‌های پایانی به‌خصوص استفاده از نقوش ختایی درشت که به زمان کمتری در اجرا



تصویر ۶. قلم‌گیری دور و شرفه نشان‌های عشر و خمس قرآن بایسنغری که درونشان را بریده‌اند.



تصویر ۵. صفحه‌ای از جزوه شماره ۴۱۶، وقفی شیخ سوداگر، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی.



تصویر ۷. سرسوره انشقت (الانشقاق) به قلم ثلث زرین محرز، اکثر سرسوره‌های این قرآن ویژگی‌هایی مشابه این نمونه دارند.



تصویر ۸. بخشی از سرسوره یس، از جزوه وقفی ابراهیم سلطان بر حرم امام رضا(ع)، شیوه تذهیب زمینه این اثر به تذهیب سرسوره‌های قرآن بایسنجری شبیه است.



کتابت‌شان بسیار به هم نزدیک است. برای نمونه در تصویر ۱۰ حرکت انتهای «و» و «ر» به سمت پایین گرایش دارد و از این بابت به شیوه خطاطان غرب ایران بسیار نزدیک است اما در صفحات دیگر مانند تصویر ۱۱ حرکت انتهای این حروف در جهت افقی است. به‌طورکلی شیوه خط نسخه منطبق با سبک خراسانی سده نهم است. این سبک چند ویژگی مهم دارد: ارتفاع حروف عمودی غالباً بلند است و بارزترین ویژگی این سبک به شمار می‌رود. این ویژگی سبب می‌شود خط استوار و بلندقامت به نظر برسد و از قدیم در کتابت قلم کوفی این منطقه هم وجود داشته است که مثال بارز آن نسخه عثمان بن حسین و راق غزنوی محفوظ در کتابخانه و گنجینه قرآن آستان قدس رضوی است.<sup>۸</sup> صفت برجسته و بارز دیگر سبک خراسانی قلم محقق

نیاز دارد و همچنین ناتمام ماندن سرسوره‌های پایانی قرآن، حاکی از تعجیل در اتمام قرآن است.

#### خط

خط نسخه نمونه‌های کامل از قلم محقق ممتاز سده نهم هجری قمری است. در قلم محقق این عصر استفاده از حروف ثلث مثل «ه» اذنی در وسط کلمه، «ک» مسطح، «لای» مقطوع و «ن» مرسل رایج بود. با این حال ساختار و تناسب حروف کاملاً منطبق با اصول محقق است. اعراب با قلم کوچک‌تر به رنگ سیاه و علائم وقف به رنگ قرمز و سرسوره‌ها به قلم ثلث زرین محرز کتابت شده است. چند دست‌خط مختلف در این اثر قابل تشخیص است که نشان می‌دهد کتابت آن را چند خطاط بر عهده داشته‌اند، خطاطانی که احتمالاً از یک استاد آموزش دیده بودند؛ زیرا شیوه

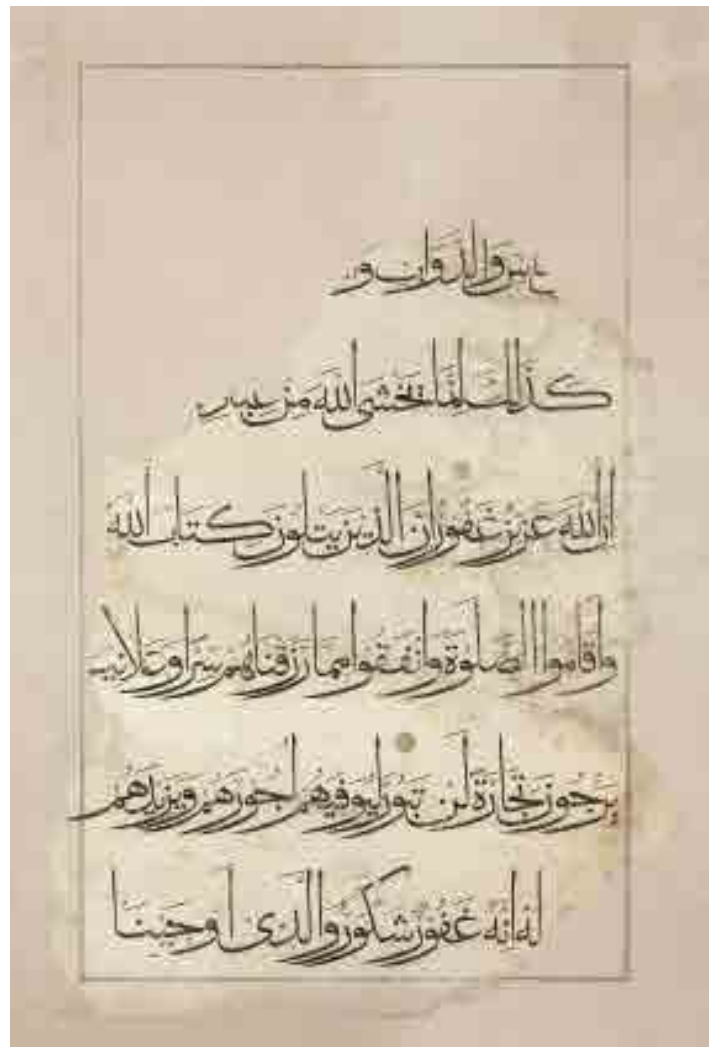
تصویر ۹. سرسوره التین به قلم ثلث زرین محرز و تزیینات ختایی در زمینه، کتیبه این سوره و دو سوره دیگر برخلاف دیگر سرسوره‌ها با نقوش ختایی درشت تزیین شده است.

صفت سوم قلم محقق خراسانی فشرده‌گی حروف کوتاه در اطراف خط کرسی است. این ویژگی در قلم کوفی این سبک نیز وجود دارد و اساساً یکی از علل اصلی افراشته‌گی و استوار به نظر رسیدن حروف عمودی است. این خصوصیت سبب می‌شود در نظر کلی سواد اطراف خط کرسی زیاد به نظر برسد و بر حرکت افقی در برابر حرکت عمودی حروف عمودی تأکید شود.

مسطح بودن کاسه حروف مدور آن است. در این سبک کاسه حروفی چون «ی»، «ن»، «س» و... غالباً با انحنایی بسیار کم کتابت می‌شود، این صفت وقتی با خاصیت استواری و ارتفاع زیاد حروف عمودی همراه باشد سبب می‌شود در نظر کلی خط نسخه خطی مسطح و متکی به حرکت‌های عمودی و افقی باشد. این ویژگی را وقتی با سبک کتابت مناطق دیگر مقایسه کنیم به‌روشنی درمی‌یابیم. برای نمونه در خط زین‌العابدین شیرازی، خطاط سده نهم، کاسه دوایر گردتر و به دوایر قلم ثلث شبیه است. (تصویر ۱۲)



تصویر ۱۱. صفحه ای از قرآن بایسنغری با خصوصیات نسبتاً متفاوت، در این صفحه انتهای حروف بیشتر در جهت افقی کشیده شده است.



تصویر ۱۰. صفحه‌ای از قرآن بایسنغری که در آن انتهای حروفی چون «و»، «ر» به پایین گرایش دارد.



تصویر ۱۲. سطری از قرآن زین العابدین شیرازی، کاسه دوایر در آن گردتر و به قلم ثلث شباهت دارد.

#### منابع

۱. ثابت جازاری، علی اصغر. «شاهزاده ثلث نویس: پژوهشی درباره قرآن بایسنجری شاهکار بی نظیر دوره تیموری»، دانشور: نشریه دیجیتال آستان قدس رضوی.
۲. جیمز، دیوید (۱۳۸۱). *پس از تیمور*. ترجمه پیام بهتاش. تهران: کارنگ.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). *کارهای استادانه*. ترجمه پیام بهتاش، تهران: کارنگ.
۴. دروش، فرانسوا و فرانسویس ریشارد. «سطراندازی و صفحه‌آرایی». ترجمه محمدحسین مرعشی. *نامه بهارستان*. ش ۱۰ و ۹، ۱۳۸۳. ۶۵-۸۴.
۵. دروش، فرانسوا و فرانسویس ریشارد. «از پوست تا کاغذ». ترجمه جمیله دبیری. *نامه بهارستان*. ش ۲ (۱۳۷۹). ۳۷-۴۶.
۶. صحراگرد، مهدی (۱۳۸۶). *مصحف روشن (معرفی برخی از نسخه‌های خطی قرآن در موزه‌های شیراز)*. تهران: فرهنگستان هنر.
۷. صحراگرد، مهدی، مجید فداییان و محسن عبادی (۱۳۹۱). *شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی: منتخب قرآن‌های نفیس از آغاز تا پایان سده نهم هجری*. مشهد: مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی.
۸. گلچین معانی، احمد (۱۳۴۷). *راهنمای گنجینه قرآن آستان قدس رضوی*. مشهد: آستان قدس رضوی.
۹. محمدحسن اعتمادالسلطنه (۱۳۶۲). *مطلع الشمس*. تهران: پیشگام.
۱۰. Blair, Sheila S. *Islamic Calligraphy*, Edinburgh, Edinburgh University Press, 2007.

#### پی نوشت

۱. نک: دیوید جیمز، *پس از تیمور*، ۱۸ و ۱۹.
۲. آنها که تاکنون شناخته شده عبارت‌اند از: دو قطعه در موزه رضا عباسی، دو برگ کامل در کتابخانه کاخ گلستان، یک برگ در موزه ملی ایران، دوازده قطعه در کتابخانه ملی ایران، یک قطعه در موزه متروپولیتن، یک برگ در مجموعه سودآور (هیوستون)، یک قطعه در مجموعه ناصر خلیلی، چند قطعه در مجموعه‌های خصوصی جنوا و یک قطعه در گالری آهان لندن.
۳. نک: جیمز، *پس از تیمور*، ۱۸.
۴. علت اینکه نمی‌توان تعداد صفحات را دقیق‌تر از این مشخص کرد این است که خط برخی صفحات فشرده و برخی فاصله‌دار است.
۵. Blair, Islamic Calligraphy, P 266.
۶. برای اطلاعات بیشتر درباره جزوبندی نک: دیوید جیمز، *کارهای استادانه*، ۱۵؛ فرانسوا دروش و فرانسویس ریشارد، «از پوست تا کاغذ» ۴۶؛ مهدی صحراگرد، *مصحف روشن*، ۱۴.
۷. برای اطلاعات بیشتر و دیدن تصویر آن نک: صحراگرد و دیگران، *شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی*، ۱۳۹۲: ۲۰۵.
۸. برای اطلاعات بیشتر نک: صحراگرد، *سبک‌شناسی قلم کوفی*، در دست انتشار.